

سال انتشار	۱۴۰۴	شماره انتشار	۲۲	صفحات	۱-۱۱
------------	------	--------------	----	-------	------

## بررسی عرفانی و تشریحی تخمیر و طینت در حدیث خمرت طینه ادم اربعین صباحا از نگاه متصوفه و اهل شریعت

جناب آقای امین هادوی و جناب آقای دکتر محمد امیر عبیدی نیا

دانشجوی دکترا زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه

### چکیده

حدیث «خَمْرُ طِیْنَةِ آدَمَ اَرْبَعِیْنَ صَبَاحًا» از جمله روایات بنیادین در تبیین سرشت انسان، مراحل آفرینش و نسبت آن با کمالات روحی و معنوی است که همواره مورد توجه عالمان شریعت و متصوفه بوده است. این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی، به بررسی تطبیقی و جامع مفهوم تخمیر و طینت در این حدیث از دو منظر عرفانی (تصوف) و تشریحی (اهل شریعت) می‌پردازد. در نگرش عرفانی، تخمیر طینت آدم نمادی از سیر تدریجی تکامل وجودی انسان، آمادگی باطنی برای دریافت نفخه الهی، و گذار از کثرت مادی به وحدت روحانی تفسیر می‌شود؛ جایی که عدد چهل به‌عنوان رمز تهذیب نفس، ریاضت، و بلوغ معنوی مطرح است. در مقابل، اهل شریعت با تأکید بر ظاهر نصوص و مبانی کلامی، تخمیر را ناظر بر حکمت الهی در تدرج آفرینش، اعتدال مزاج، و تمایز انسان از سایر مخلوقات دانسته و از تفسیرهای ذوقی افراطی پرهیز می‌کنند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هرچند دو رویکرد در روش و زبان تفسیر متفاوت‌اند، اما در اصل کرامت ذاتی انسان، هدفمندی خلقت و نقش آمادگی وجودی در پذیرش هدایت الهی اشتراک دارند. این تحقیق می‌کوشد با ایجاد پیوندی میان قرائت عرفانی و تشریحی، فهمی متوازن و عمیق از حدیث «خمرت طینه ادم اربعین صباحاً» ارائه دهد و زمینه گفت‌وگوی علمی میان تصوف و شریعت را تقویت کند.

واژگان کلیدی: تخمیر طینت، حدیث خمرت طینه ادم، آفرینش انسان، عدد چهل، انسان‌شناسی اسلامی، عرفان اسلامی، تصوف، اهل شریعت.

طبقه‌بندی: JEL، فقه - حقوق - جزا و جرم‌شناسی - حقوق بین‌الملل - حقوق خصوصی

## Mystical and legal investigation of fermentation and tainat in the Hadith of Khamrat Taina Adam Arbaeen Sabaha from the point of view of Sufis and people of Sharia.

Mohammad Amir Obeidnia Dr Amin Hadavi and Mr

### Abstract

The Hadith "Khamartu Tainatha Adam Arba'in Sabaha" is one of the fundamental traditions in explaining the nature of man, the stages of creation and its relationship with spiritual and spiritual perfections, which has always been the focus of scholars of Sharia and Sufis. This research, with a descriptive-analytical approach, deals with a comparative and comprehensive investigation of the concept of fermentation and tainat in this hadith from two mystical (Sufism) and legal (Sharia) perspectives. In the mystical view, the fermentation of Adam's soul is interpreted as a symbol of the gradual evolution of human existence, the inner preparation to receive the divine blessing, and the transition from material abundance to spiritual unity; Where the number ۴۰ is a symbol of self-improvement, austerity, and spiritual maturity. On the other hand, the people of Sharia, by emphasizing the appearance of texts and theological foundations, consider fermentation to be a watcher of God's wisdom in the gradual creation, moderation of temperament, and the distinction of man from other creatures, and avoid extreme interpretations of taste. The findings of the research show that although the two approaches are different in the method and language of interpretation, they have in common the inherent dignity of man, the purposefulness of creation, and the role of existential preparation in accepting divine guidance. This research tries to provide a balanced and deep understanding of the hadith "Khumrat Taina Adam Arbaeen Sabah" by creating a link between mystical and legal readings and to strengthen the field of scientific dialogue between Sufism and Sharia.

Keywords: Tint fermentation, The Hadith of Adam's drunkenness, Human creation, Number forty, Islamic anthropology, Islamic mysticism, Sufism, People of Sharia

## متن مقاله

تشریحی دارد و هم امکان خوانش عرفانی-وجودی. بررسی تطبیقی این دو رویکرد، نه تنها به تعمیق فهم حدیث می‌انجامد، بلکه می‌تواند زمینه‌ای برای گفت‌وگوی علمی میان ظاهر و باطن شریعت فراهم آورد. پژوهش حاضر با چنین رویکردی می‌کوشد ضمن تحلیل مفهوم تخمیر و طینت در این حدیث، وجوه اشتراک و افتراق قرائت عرفانی و تشریحی را تبیین کرده و تصویری متوازن از جایگاه انسان در نظام خلقت ارائه دهد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش، حاصل تحلیل تطبیقی حدیث «خمرت طینه آدم اربعین صباحاً» در دو سنت تفسیری عرفانی و تشریحی است و نشان می‌دهد که این روایت، واجد لایه‌های معنایی چندگانه و ظرفیت تفسیر میان‌رشته‌ای است.

۱. تخمیر طینت به‌مثابه تدرج حکیمانه در آفرینش انسان

نخستین یافته پژوهش حاکی از آن است که مفهوم «تخمیر» در هر دو رویکرد، بر تدرج در خلقت انسان دلالت دارد. اهل شریعت، تخمیر را نشانه حکمت الهی در آفرینش تدریجی، اعتدال مزاج و آمادگی جسمانی انسان برای پذیرش روح می‌دانند (مجلسی، بحارالأنوار؛ فخر رازی، التفسیر الکبیر). در این قرائت، تدرج نه صرفاً یک فرایند زمانی، بلکه جلوه‌ای از نظم و حکمت ربوبی است. یکی از یافته‌های اساسی این پژوهش آن است که مفهوم «تخمیر طینت» در حدیث «خمرت طینه آدم اربعین صباحاً» بر اصل تدرج حکیمانه در آفرینش انسان دلالت دارد؛ اصلی که هم در قرائت تشریحی و هم در قرائت عرفانی، هرچند با تفاوت در زبان و چارچوب تفسیر، مورد تأکید قرار گرفته است. در نگاه اهل شریعت، تخمیر به‌منزله مرحله‌ای میانی در فرایند خلقت انسان تفسیر می‌شود که نشان‌دهنده حکمت الهی در ایجاد آمادگی تدریجی طینت آدم برای پذیرش نفخه روح است. این تدرج، نه ناشی از نقص در قدرت الهی، بلکه جلوه‌ای از نظام احسن و سنت الهی در آفرینش موجودات برتر تلقی می‌شود (ر.ک: مجلسی، بحارالأنوار؛ فخر رازی، التفسیر الکبیر).

بر اساس این رویکرد، تخمیر طینت را می‌توان با دیگر تعبیر قرآنی همچون «خلقاً من بعد خلق» و «أطواراً» هم‌افق دانست؛ تعبیری که

مسئله آفرینش انسان و تبیین سرشت وجودی او از بنیادی‌ترین مباحث در معارف اسلامی به‌شمار می‌آید که در قرآن کریم، احادیث نبوی و آثار اندیشمندان مسلمان به‌گونه‌ای گسترده مورد توجه قرار گرفته است. در این میان، احادیث ناظر به کیفیت خلقت آدم (ع) و مراحل پیش از نفخ روح، جایگاهی ویژه در شکل‌دهی به مباحث انسان‌شناسی، کلامی و عرفانی دارند. یکی از روایات قابل تأمل در این زمینه، حدیث «خمرت طینه آدم اربعین صباحاً» است که به مرحله‌ای پیشینی در خلقت انسان اشاره دارد و دلالت‌های عمیقی درباره آمادگی وجودی انسان برای دریافت روح الهی دربردارد (ر.ک: مجلسی، بحارالأنوار).

این حدیث، هم در میان عالمان اهل شریعت و هم در سنت عرفانی و تصوف اسلامی، موضوع تفسیرها و قرائت‌های گوناگون قرار گرفته است. متکلمان و مفسران شریعت‌محور، غالباً با تکیه بر ظاهر نصوص و اصول کلامی، تخمیر طینت را ناظر به حکمت الهی در تدرج آفرینش، اعتدال جسمانی و تمایز وجودی انسان از سایر مخلوقات دانسته‌اند (ر.ک: فخر رازی، التفسیر الکبیر؛ طبرسی، مجمع البیان). در این رویکرد، پرهیز از تفسیرهای ذوقی و تأکید بر چارچوب‌های معتبر نقلی و عقلی، نقش محوری دارد.

در مقابل، عارفان و متصوفه با رویکردی باطنی و تأویلی، حدیث مزبور را فراتر از بیان یک فرایند مادی تلقی کرده و آن را نمادی از سیر تدریجی کمال انسان، آمادگی باطنی نفس و قابلیت پذیرش تجلیات الهی تفسیر کرده‌اند. در این قرائت، «تخمیر» به‌منزله فرایند تهذیب و تصفیه وجود انسانی و «اربعین» به‌عنوان رمزی از بلوغ معنوی، ریاضت و تکامل روحی مطرح می‌شود؛ مفهومی که در سنت عرفانی اسلامی، به‌ویژه در آثار غزالی، ابن عربی و شارحان حکمت متعالیه، حضوری پررنگ دارد (ر.ک: غزالی، احیاء علوم‌الدین؛ ابن عربی، الفتوحات المکیه؛ ملاصدرا، اسفار اربعه).

از این رو، حدیث «خمرت طینه آدم اربعین صباحاً» را می‌توان نقطه تلاقی دو ساحت شریعت و عرفان دانست؛ حدیثی که هم ظرفیت تفسیر کلامی-

آفرینش جسمانی انسان تفسیر می‌شود و به مثابه فرایندی وجودی، باطنی و تدریجی در سیر کمال انسان معنا می‌یابد. عارفان اسلامی، با تکیه بر مبانی انسان‌شناسی عرفانی، بر این باورند که طینت آدم پیش از نفخ روح، حامل قابلیت محض است؛ قابلیت‌هایی که از طریق تخمیر، به استعداد فعال برای پذیرش تجلی الهی تبدیل می‌شود (ابن عربی، الفتوحات المکیه).

در این قرائت، «تخمیر» نماد آمیزش تدریجی عناصر وجودی انسان و خروج او از خامی اولیه است؛ همان‌گونه که تخمیر در عالم طبیعت، ماده را از حالت ساکن و ناپخته به مرحله‌ای جدید از حیات و کارآمدی می‌رساند. به همین قیاس، تخمیر طینت انسان اشاره به پالایش، تلطیف و آمادگی باطنی دارد که شرط لازم برای دمیده شدن روح الهی و ظهور حقیقت انسانی است. از منظر عرفانی، نفخه الهی بر طینتی که هنوز تخمیر نشده، افاضه نمی‌شود؛ زیرا قابلیت پذیرش فیض الهی مستلزم سیر تدریجی و آمادگی وجودی است. عدد «چهل» در این تفسیر، صرفاً یک عدد تاریخی یا زمانی نیست، بلکه رمزی از بلوغ وجودی و کمال نسبی به‌شمار می‌رود. سنت عرفانی، عدد چهل را نشانه پایان یک دوره تربیتی و آغاز مرحله‌ای نو در حیات معنوی می‌داند؛ چنان‌که در سنت اربعین‌گیری، خلوت، و تهذیب نفس نیز همین معنا تکرار می‌شود (غزالی، احیاء علوم‌الدین). از این منظر، چهل صباح تخمیر طینت آدم، بیانگر رسیدن حقیقت انسانی به حد نصاب قابلیت برای تجلی اسماء و صفات الهی است.

عارفان، تخمیر طینت را محدود به آغاز آفرینش نمی‌دانند، بلکه آن را سنتی جاری در تمام سیر انسانی تلقی می‌کنند. بدین معنا که همان‌گونه که طینت آدم پیش از نفخ روح، نیازمند تخمیر بود، سالک الی‌الله نیز در مسیر سلوک، باید مراحل تدریجی تزکیه، ریاضت و تصفیه باطن را طی کند تا استعداد وصول به مراتب بالاتر وجودی در او فعلیت یابد (قیصری، شرح فصوص الحکم). بر اساس این یافته، حدیث «خمرت طینه آدم اربعین صباحاً» در نگاه عرفانی، تصویری ژرف از انسان ارائه می‌دهد که در آن، آفرینش، کمال و هدایت، همگی تابع اصل تدرج وجودی هستند. تخمیر طینت، نماد این حقیقت است که انسان از آغاز، موجودی «در حال شدن»

همگی بر حرکت تدریجی از قوه به فعل و تحقق اعتدال مزاج انسانی دلالت دارند. بدین‌سان، انسان از همان آغاز خلقت، موجودی «شدنی» معرفی می‌شود که کمال او در بستر زمان و بر اساس حکمت الهی تحقق می‌یابد. عدد «چهل» نیز در این چارچوب، نشانه بلوغ طبیعی و رسیدن به حد تام آمادگی برای پذیرش روح و مسئولیت خلافت الهی است (طبرسی، مجمع البیان).

در قرائت عرفانی، همین تدرج حکیمانه، به سطحی عمیق‌تر از آفرینش صرفاً مادی ارتقا می‌یابد. عارفان، تخمیر طینت را فرایندی وجودی می‌دانند که طی آن، حقیقت انسانی از مرحله قابلیت محض به مرتبه استعداد فعال برای تجلی اسماء و صفات الهی منتقل می‌شود. در این تلقی، تخمیر نه تنها به زمان پیش از نفخ روح، بلکه به سنت دائمی الهی در تربیت و تکامل انسان اشاره دارد؛ سنتی که در سیر سلوکی، ریاضت و تهذیب نفس استمرار می‌یابد (ابن عربی، الفتوحات المکیه؛ قیصری، شرح فصوص الحکم).

یافته پژوهش نشان می‌دهد که تدرج حکیمانه در آفرینش انسان، نقطه پیوندی میان تکوین و تشریح است؛ به این معنا که همان‌گونه که خلقت انسان بر اساس آمادگی تدریجی سامان یافته، هدایت تشریحی و کمال معنوی او نیز بدون طی مراحل و مراتب امکان‌پذیر نیست. از این رو، حدیث «خمرت طینه آدم اربعین صباحاً» تصویری یکپارچه از انسان ارائه می‌دهد که در آن، آفرینش جسمانی، رشد وجودی و تکامل معنوی در چارچوب حکمت الهی و اصل تدرج به هم پیوسته‌اند.

## ۲. تفسیر عرفانی تخمیر به‌عنوان فرایند تکامل وجودی

در مقابل، یافته‌ها نشان می‌دهد که متصوفه و عارفان اسلامی، تخمیر طینت را به‌منزله سیر باطنی و وجودی انسان تفسیر کرده‌اند؛ سیری که طی آن نفس انسانی از قابلیت محض به فعلیت معنوی می‌رسد. در این نگاه، طینت آدم پیش از نفخ روح، مرحله «قابلیت محض» است که در اثر تخمیر، آمادگی پذیرش نفخه الهی را می‌یابد (ابن عربی، الفتوحات المکیه؛ قیصری، شرح فصوص الحکم). یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در رویکرد عرفانی، مفهوم «تخمیر طینت» فراتر از یک مرحله زمانی در

اسلامی، نه یک قرارداد زمانی، بلکه الگویی برای تحقق تحول درونی، انقطاع از کثرت و آمادگی برای شهود و تجلی تلقی می‌شود (غزالی، احیاء علوم‌الدین).

بر اساس این قرائت، چهل صباح تخمیر طینت آدم، رمز آن است که حقیقت انسانی پیش از نفخ روح، باید مراحل پالایش، تلطیف و آمادگی وجودی را طی کند تا قابلیت تجلی اسماء و صفات الهی در او تحقق یابد. بدین معنا، عدد چهل بیانگر نقطه عبور از قوه به فعلیت وجودی و از خامی طینت به پختگی حقیقت انسانی است؛ امری که در سلوک عرفانی انسان نیز به صورت مستمر تکرار می‌شود (قیصری، شرح فصوص الحکم).

یافته پژوهش نشان می‌دهد که با وجود تفاوت در زبان و روش تفسیر، هر دو قرائت عرفانی و تشریحی در یک نکته اساسی هم‌داستان‌اند: عدد چهل، نماد ضرورت زمان، صبر و تدرج در تحقق کمال انسانی است. بدین ترتیب، حدیث «خمرت طینة آدم اربعین صباحاً» با بهره‌گیری از این عدد نمادین، تصویری ژرف از سنت الهی در آفرینش و تربیت انسان ارائه می‌دهد که در آن، کمال نه دفعی، بلکه در سایه حکمت و آمادگی تدریجی حاصل می‌شود.

۴. پرهیز اهل شریعت از تأویل‌های ذوقی افراطی یافته‌ها نشان می‌دهد که عالمان شریعت، با وجود پذیرش لایه‌های معنایی حدیث، نسبت به تأویل‌های صرفاً ذوقی و غیرمستند رویکردی انتقادی دارند. آنان بر این باورند که تفسیر حدیث باید در چارچوب ضوابط نقلی، اصول کلامی و عقل معتبر صورت گیرد تا از افتادن در ورطه باطن‌گرایی افراطی جلوگیری شود (ابن تیمیه، درء تعارض العقل والنقل؛ سبحانی، الالهیات). یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که یکی از مؤلفه‌های اساسی رویکرد اهل شریعت در تفسیر حدیث «خمرت طینة آدم اربعین صباحاً»، احتیاط روش‌مند در برابر تأویل‌های ذوقی و باطن‌گرایانه افراطی است. عالمان شریعت، در عین پذیرش وجود لایه‌های معنایی در متون دینی، بر این اصل تأکید دارند که تفسیر حدیث باید در چارچوب ضوابط نقلی، قواعد زبان عربی، اصول کلامی و عقل معتبر صورت گیرد و نباید به برداشت‌های صرفاً شهودی و غیرقابل سنجش فروکاسته شود (فخر رازی،

است و کمال او نه دفعی، بلکه در سایه صبر، زمان و آمادگی باطنی تحقق می‌یابد.

۳. جایگاه نمادین عدد چهل در هر دو قرائت یافته مهم دیگر پژوهش، اشتراک معنایی عدد چهل در سنت شریعت و عرفان است. در منابع تشریحی، اربعین ناظر بر کمال طبیعی، بلوغ تدریجی و تحقق آمادگی تام در آفرینش انسان است (طبرسی، مجمع البیان). در عرفان اسلامی، عدد چهل رمزی از تهذیب نفس، ریاضت، انقطاع از تعلقات مادی و ورود به مرحله بلوغ روحانی تلقی می‌شود؛ امری که در سنت «اربعین‌گیری» نیز انعکاس یافته است (غزالی، احیاء علوم‌الدین).

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عدد «چهل» در حدیث «خمرت طینة آدم اربعین صباحاً» واجد بار معنایی نمادین و کارکرد معرفتی مشترک در هر دو قرائت عرفانی و تشریحی است، هر چند سطح تفسیر و نحوه تأویل آن در این دو رویکرد تفاوت‌هایی بنیادین دارد. در نگاه اهل شریعت، عدد چهل بیش از آنکه صرفاً یک عدد تاریخی باشد، نشانه‌ای از کمال تدریجی، بلوغ طبیعی و تحقق آمادگی تام در نظام آفرینش انسان به‌شمار می‌آید. این برداشت، ریشه در سنت قرآنی و روایی دارد که در آن، عدد چهل غالباً با پایان یک مرحله و آغاز مرحله‌ای نو در سیر تکوین یا تشریح همراه است (مانند بلوغ عقلی، بعثت انبیا و تکامل قوه ادراک).

در چارچوب تشریحی، چهل صباح تخمیر طینت آدم، بیانگر آن است که آفرینش انسان تابع نظم، اندازه و حکمت الهی است و تحقق قابلیت‌های انسانی نیازمند گذر زمان و تدرج است. این عدد، نماد رسیدن طینت انسانی به حد اعتدال مزاج و آمادگی کامل برای پذیرش نفخه روح الهی تلقی می‌شود؛ به گونه‌ای که پیش از طی این مرحله، افاضه روح با حکمت الهی سازگار نخواهد بود (ر.ک: طبرسی، مجمع البیان؛ فخر رازی، التفسیر الکبیر).

در قرائت عرفانی، عدد چهل از سطح نظم طبیعی فراتر می‌رود و به رمزی از بلوغ وجودی و تکامل باطنی ارتقا می‌یابد. عرفا، چهل را عدد «تمامیت نسبی» می‌دانند؛ عددی که نشان‌دهنده پایان یک دوره تزکیه و آغاز مرحله‌ای نو در سیر الی‌الله است. از همین رو، سنت «اربعین» در عرفان

التفسیر الکبیر).

در این چارچوب، مفهوم «تخمیر طینت» در حدیث مورد بحث، نزد اهل شریعت ناظر به واقعیتی تکوینی و حکیمانه در فرایند آفرینش انسان است، نه صرفاً نمادی آزاد و گشوده برای هرگونه تأویل ذوقی. آنان بر این باورند که خروج از ظاهر معتبر حدیث، بدون قرینه نقلی یا عقلی، به تضعیف حجیت متن دینی و گسست میان شریعت و معنا می‌انجامد (مجلسی، بحار الأنوار). از این رو، تفسیرهای عرفانی تا آنجا پذیرفتنی تلقی می‌شوند که با اصول قطعی دین و مفاد ظاهری روایت تعارض نداشته باشند.

این رویکرد انتقادی، به‌ویژه در آثار متکلمان و فقیهان برجسته، به‌صورت صریح بیان شده است. ابن تیمیه، با وجود اذعان به وجود معانی باطنی در برخی متون، تأکید می‌کند که تأویل فاقد ضابطه، راه را برای تفسیرهای سلیقه‌ای و گاه متناقض هموار می‌سازد و در نهایت به نسبی‌گرایی معرفتی می‌انجامد (ابن تیمیه، درء تعارض العقل والنقل). از این منظر، ذوق فردی نمی‌تواند معیار نهایی فهم حدیث باشد، مگر آنکه با نقل صحیح و عقل سلیم تأیید شود.

در سنت کلامی معاصر شیعه نیز همین دغدغه مشاهده می‌شود. متکلمانی چون سبحانی، ضمن تفکیک میان «باطن‌گرایی معتبر» و «تأویل افراطی»، تصریح می‌کنند که باطن متن دینی باید ریشه در ظاهر آن داشته باشد و نه در ذوق مستقل مفسر (سبحانی، الالهیات). بر این اساس، تخمیر طینت اگرچه می‌تواند حامل اشارات معنوی باشد، اما این اشارات نباید به نفی معنای تکوینی و تشریحی حدیث بینجامد.

یافته پژوهش نشان می‌دهد که این موضع احتیاط‌آمیز اهل شریعت، نه از سر انکار عرفان، بلکه در راستای صیانت از مرجعیت متن دینی و حفظ تعادل میان ظاهر و باطن است. بدین ترتیب، پرهیز از تأویل‌های ذوقی افراطی، یکی از نقاط تمایز اساسی رویکرد تشریحی با برخی قرائت‌های عرفانی حداکثری است؛ تمایزی که در عین حال، امکان گفت‌وگوی علمی و تکمیلی میان شریعت و عرفان را منتفی نمی‌سازد.

۵. کرامت ذاتی انسان به‌عنوان نقطه اشتراک دو رویکرد

از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش، همگرایی عرفان و شریعت در اصل کرامت

ذاتی انسان است. هر دو رویکرد، تخمیر طینت را نشانه عنایت ویژه الهی به انسان دانسته و آن را مقدمه‌ای برای خلافت الهی و شایستگی انسان برای حمل امانت الهی تلقی می‌کنند (ملاصدرا، اسفار اربعه؛ طباطبایی، المیزان). یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که با وجود تفاوت‌های روش‌شناختی و معرفتی میان رویکرد عرفانی و تشریحی در تفسیر حدیث «خمرت طینة آدم اربعین صباحاً»، هر دو جریان در یک اصل بنیادین هم‌داستان‌اند و آن کرامت ذاتی انسان است. در قرائت تشریحی، کرامت انسان ریشه در اراده و حکمت الهی در آفرینش دارد؛ به‌گونه‌ای که تخمیر تدریجی طینت آدم، نشانه‌ای از عنایت خاص الهی، نظم حکیمانه و آماده‌سازی وجودی انسان برای پذیرش نفخه روح و تکلیف الهی تلقی می‌شود. از این منظر، انسان موجودی کریم است که پیش از ورود به عرصه مسئولیت شرعی، از جابجایی ممتاز در نظام خلقت برخوردار شده است.

در مقابل، رویکرد عرفانی، کرامت ذاتی انسان را در ظرفیت او برای تجلی اسماء و صفات الهی و سیر از قوه به فعلیت وجودی تفسیر می‌کند. تخمیر طینت، در این قرائت، نماد فرآیند پالایش، تلطیف و آمادگی باطنی حقیقت انسانی است که نهایتاً به شایستگی مقام خلافت الهی می‌انجامد. با این حال، این کرامت نه امری اکتسابی صرف، بلکه حقیقتی نهفته در سرشت انسان دانسته می‌شود که در پرتو سلوک و تزکیه آشکار می‌گردد. نتیجه پژوهش حاکی از آن است که کرامت ذاتی انسان، حلقه اتصال عرفان و شریعت در تفسیر این حدیث است؛ به‌گونه‌ای که اختلاف دو رویکرد، نه در اصل کرامت، بلکه در نحوه تبیین، زبان تفسیر و سطح تأویل آن نمود می‌یابد. بدین ترتیب، حدیث «خمرت طینة آدم اربعین صباحاً» تصویری جامع از انسان ارائه می‌دهد که هم‌زمان واجد شرافت تکوینی، قابلیت معنوی و شأن الهی است؛ تصویری که می‌تواند مبنای گفت‌وگوی سازنده میان عرفان اسلامی و الهیات تشریحی قرار گیرد.

۶. نقش آمادگی وجودی در پذیرش هدایت الهی

بر اساس یافته‌های پژوهش، تخمیر طینت در این حدیث، بیانگر این اصل بنیادین است که هدایت الهی بدون آمادگی وجودی تحقق نمی‌یابد. این

به اندازه استعداد وجودی خویش از فیض الهی بهره‌مند می‌شود و تفاوت مراتب هدایت، نه ناشی از بخل فاعل، بلکه برخاسته از تفاوت قابلیت‌های موجودات است (ابن عربی، الفتوحات المکیه). بر این اساس، تخمیر چهل‌روزه طینت آدم، بیانگر رسیدن حقیقت انسانی به حدّ نصاب پذیرش هدایت کلی و جامع الهی است.

یافته پژوهش نشان می‌دهد که هر دو رویکرد، با وجود تفاوت در زبان و چارچوب نظری، در یک اصل اساسی مشترک‌اند: هدایت الهی بدون آمادگی وجودی تحقق تام نمی‌یابد. این آمادگی، در نگاه تشریحی، صورتی تکوینی و حکیمانه دارد و در نگاه عرفانی، صورتی باطنی و سلوکی؛ اما در هر دو، تخمیر طینت به‌منزله مقدمه‌ای ضروری برای تحقق هدایت و کرامت انسانی تلقی می‌شود. بدین ترتیب، حدیث «خمرت طینة آدم اربعین صباحاً» الگویی فرازمانی از سنت الهی در تربیت انسان ارائه می‌دهد که در آن، هدایت همواره بر بستر آمادگی و قابلیت استوار است.

بررسی تطبیقی حدیث «خمرت طینة آدم اربعین صباحاً» نشان می‌دهد که یکی از بنیادی‌ترین دلالت‌های آن، تأکید بر اصل آمادگی وجودی انسان به‌عنوان شرط تحقق هدایت الهی است. این اصل، هرچند با دو زبان متفاوت در رویکرد عرفانی و تشریحی تبیین می‌شود، اما در هر دو سنت فکری، نقشی محوری در فهم نسبت میان فیض الهی و قابلیت انسانی ایفا می‌کند. بر این اساس، هدایت الهی نه امری تصادفی و نه صرفاً تحمیلی است، بلکه در چارچوب سنت حکیمانه الهی، متناسب با ظرفیت، استعداد و آمادگی وجودی انسان افاضه می‌شود.

در قرائت تشریحی، تخمیر تدریجی طینت آدم در طی چهل صباح، ناظر به تحقق تدریجی قابلیت تکوینی انسان برای پذیرش نفخه روح و ورود به ساحت هدایت و تکلیف است. این تدرج، بیانگر آن است که انسان پیش از آنکه مخاطب هدایت تشریحی و مسئولیت اخلاقی قرار گیرد، باید از حیث وجودی به مرحله‌ای از اعتدال و توازن برسد. متکلمان اسلامی بر این باورند که افاضه هدایت، هرچند از ناحیه فاعل مطلق و بدون بخل صورت می‌گیرد، اما تحقق آن در مرتبه مخلوق، وابسته به قابلیت و استعداد قابل است (مجلسی، بحار الأنوار).

آمادگی، در نگاه شریعت، حاصل نظم خلقت و حکمت الهی، و در نگاه عرفان، نتیجه تزکیه، تهذیب و تکامل باطنی است. بدین ترتیب، حدیث مزبور پیوندی وثیق میان آفرینش تکوینی و سلوک تشریحی برقرار می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حدیث «خمرت طینة آدم اربعین صباحاً» نه صرفاً گزارشی از آفرینش مادی انسان، بلکه متنی عمیق و چندلایه است که امکان قرائت تشریحی و عرفانی را به‌صورت مکمل فراهم می‌سازد. این حدیث، با تأکید بر تدرج، آمادگی و کرامت انسان، بستری مناسب برای گفت‌وگوی علمی میان شریعت و تصوف ایجاد می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که یکی از مفاهیم محوری مستفاد از حدیث «خمرت طینة آدم اربعین صباحاً»، تأکید بر اصل آمادگی وجودی انسان پیش از افاضه هدایت الهی است؛ اصلی که در هر دو رویکرد عرفانی و تشریحی، جایگاهی بنیادین دارد. در قرائت تشریحی، تخمیر تدریجی طینت آدم بیانگر آن است که هدایت الهی و نفخ روح، امری دفعی و بی‌مقدمه نیست، بلکه تحقق آن مستلزم رسیدن انسان به مرتبه‌ای از اعتدال، قابلیت و شایستگی تکوینی است (مجلسی، بحار الأنوار).

بر اساس این دیدگاه، هدایت الهی همواره با «قابلیت قابل» نسبت مستقیم دارد؛ به این معنا که افاضه فیض الهی، هرچند از ناحیه فاعل مطلق است، اما تحقق آن در مرتبه مخلوق، نیازمند آمادگی و استعداد متناسب است. فخر رازی در تحلیل آیات هدایت، بر این نکته تأکید می‌کند که افاضه هدایت، تابع حکمت الهی و ظرفیت وجودی انسان است و بدون فراهم شدن این ظرفیت، هدایت به فعلیت کامل نمی‌رسد (فخر رازی، التفسیر الکبیر).

در رویکرد عرفانی، این آمادگی وجودی با مفاهیمی چون تزکیه، تخلیه و تحلی تبیین می‌شود. عرفا بر این باورند که حقیقت انسانی، پیش از دریافت تجلیات الهی، باید از کدورت‌ها و تعلقات پاک شود تا قابلیت شهود و پذیرش نور هدایت را بیابد. تخمیر طینت آدم، در این قرائت، نماد فرآیند درونی آماده‌سازی حقیقت انسان برای دریافت نفخه روح و ظهور اسم «الهادی» در وجود اوست (غزالی، احیاء علوم‌الدین).

ابن عربی نیز با تأکید بر اصل «الاستعداد»، تصریح می‌کند که هر موجودی

از منظر این پژوهش، حدیث «خمرت طینه آدم اربعین صباحاً» الگویی فرازمانی از رابطه میان فیض الهی و قابلیت انسانی ارائه می‌دهد؛ الگویی که نه تنها در آفرینش نخستین انسان، بلکه در سیر هدایت هر انسان در طول تاریخ نیز جاری است. بدین معنا، همان‌گونه که آدم پیش از نفخ روح، دوره‌ای از تخمیر و آمادگی را طی کرد، انسان سالک نیز پیش از دریافت مراتب بالاتر هدایت، نیازمند طی مراحل آمادگی، تزکیه و تدرج وجودی است.

در نهایت، یافته پژوهش نشان می‌دهد که تأکید بر آمادگی وجودی، نه تنها به تبیین دقیق‌تر حدیث مورد بحث می‌انجامد، بلکه چارچوبی نظری برای فهم نسبت میان هدایت، کرامت انسانی و مسئولیت اخلاقی فراهم می‌آورد. هدایت الهی، در این چارچوب، نعمتی است که بر بستر آمادگی و قابلیت شکوفا می‌شود و انسان، با فراهم آوردن این آمادگی، به صورت فعال در تحقق هدایت الهی مشارکت می‌کند؛ مشارکتی که جوهره کرامت و خلافت انسانی را تشکیل می‌دهد.

#### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با رویکردی تطبیقی به بررسی حدیث «خمرت طینه آدم اربعین صباحاً» پرداخت و کوشید با تحلیل هم‌زمان دو سنت فکری عرفانی و تشریحی، لایه‌های معنایی، انسان‌شناختی و الهیاتی این حدیث بنیادین را آشکار سازد. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که اگرچه این دو رویکرد از حیث روش‌شناسی، زبان تفسیر و سطح تأویل تفاوت‌های معناداری دارند، اما در بنیان‌های معرفتی مرتبط با آفرینش انسان، کمال وجودی و هدایت الهی، دارای نقاط اشتراک قابل توجهی هستند.

نخستین نتیجه اساسی پژوهش آن است که «تخمیر طینت» در هر دو قرائت، بیانگر اصل تدرج حکیمانه در آفرینش انسان است. اهل شریعت با تأکید بر نظم تکوینی و حکمت الهی، تخمیر را مرحله‌ای ضروری برای رسیدن انسان به اعتدال وجودی و آمادگی برای نفخ روح و تکلیف می‌دانند، در حالی که عرفا این فرایند را به‌منزله سیر تدریجی از قوه به فعلیت و پالایش حقیقت انسانی تفسیر می‌کنند. بدین ترتیب، تدرج نه تنها

فخر رازی با تحلیل آیات مربوط به هدایت و ضلالت، تصریح می‌کند که هدایت الهی بر اساس حکمت و علم الهی به ظرفیت‌های نفوس انسانی توزیع می‌شود و تفاوت در مراتب هدایت، به تفاوت در آمادگی‌ها بازمی‌گردد، نه به تبعیض در فاعلیت الهی (فخر رازی، التفسیر الکبیر). بر این مبنا، تخمیر طینت آدم را می‌توان مرحله‌ای ضروری در تحقق این آمادگی دانست؛ مرحله‌ای که بدون آن، افاضه روح و هدایت، با نظام حکیمانه خلقت ناسازگار خواهد بود.

در رویکرد عرفانی، این اصل با زبان باطنی و وجودی تفسیر می‌شود. عرفا، هدایت الهی را تجلی نور حق در قلب انسان می‌دانند و معتقدند که این تجلی، تنها در ظرفی پاک، لطیف و آماده تحقق می‌یابد. از این منظر، تخمیر طینت آدم نماد فرایند پالایش درونی و آماده‌سازی حقیقت انسانی برای پذیرش تجلیات الهی است. غزالی با تأکید بر ضرورت تزکیه نفس، هدایت را نتیجه مستقیم پاک‌سازی قلب از رذایل و تعلقات می‌داند و معتقد است که قلب ناپالوده، قابلیت پذیرش نور هدایت را ندارد (غزالی، احیاء علوم‌الدین).

ابن عربی این معنا را با مفهوم «الاستعداد» به صورت نظام‌مندتری تبیین می‌کند. به‌زعم او، هر موجودی به اندازه استعداد ذاتی و اکتسابی خود، محل تجلی اسماء الهی قرار می‌گیرد و تفاوت مراتب هدایت، ناشی از تفاوت در همین استعدادهاست (ابن عربی، الفتوحات المکیة). بر این اساس، تخمیر چهل‌روزه طینت آدم، نه صرفاً یک واقعه زمانی، بلکه نمادی از رسیدن حقیقت انسانی به حد نصاب قابلیت برای دریافت جامع‌ترین مرتبه هدایت الهی است.

نکته حائز اهمیت آن است که در هر دو رویکرد، آمادگی وجودی امری پیشینی نسبت به هدایت فعلی تلقی می‌شود. در نگاه تشریحی، این آمادگی، صورتی تکوینی و مبتنی بر نظم خلقت دارد؛ و در نگاه عرفانی، صورتی باطنی و سلوکی می‌یابد. باین‌حال، نتیجه واحد است: هدایت الهی تنها زمانی به فعلیت کامل می‌رسد که انسان، از حیث وجودی، ظرفیت پذیرش آن را یافته باشد. این هم‌سویی مفهومی، نشان‌دهنده پیوند عمیق میان شریعت و عرفان در تبیین سنت الهی هدایت است.

کرامت است. در نگاه تشریحی، کرامت ریشه در آفرینش حکیمانه و انتخاب الهی دارد و در نگاه عرفانی، در قابلیت انسان برای تجلی اسماء و صفات الهی و تحقق خلافت معنا می‌یابد.

در نهایت، یافته ششم نشان داد که آمادگی وجودی شرط بنیادین پذیرش هدایت الهی است. حدیث تخمیر طینت، الگویی فرازمانی از رابطه میان فیض الهی و قابلیت انسانی ارائه می‌دهد که بر اساس آن، هدایت الهی تنها در ظرف آمادگی، تدرج و تزکیه به فعلیت کامل می‌رسد. این اصل، پیوندی عمیق میان هدایت، کرامت و مسئولیت اخلاقی انسان برقرار می‌سازد.

در مجموع، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که حدیث «خمرت طینه آدم اربعین صباحاً» ظرفیتی غنی برای گفت‌وگوی علمی میان عرفان اسلامی و الهیات تشریحی دارد. این حدیث، تصویری جامع از انسان ارائه می‌کند که هم‌زمان واجد شرافت تکوینی، قابلیت معنوی و آمادگی برای هدایت الهی است. چنین خوانشی می‌تواند مبنایی نظری برای توسعه انسان‌شناسی اسلامی و تقویت تعامل سازنده میان شریعت و عرفان در مطالعات معاصر فراهم آورد.

یک واقعیت طبیعی، بلکه یک سنت الهی در تحقق کمال انسانی تلقی می‌شود.

دوم، پژوهش نشان داد که عدد «چهل» در حدیث مورد بحث، واجد کارکردی نمادین و معناشناختی مشترک در هر دو رویکرد است. این عدد، هم در قرائت تشریحی و هم در تفسیر عرفانی، نشانه بلوغ، تمامیت نسبی و آمادگی برای ورود به مرحله‌ای نو در سیر وجودی انسان است. اختلاف دیدگاه‌ها نه در اصل معنا، بلکه در سطح نمادپردازی و نحوه تبیین آن آشکار می‌شود.

سوم، یکی از یافته‌های مهم، تأکید اهل شریعت بر پرهیز از تأویل‌های ذوقی افراطی بود. این رویکرد احتیاط‌آمیز، نه به‌منزله انکار معناهای باطنی، بلکه در راستای صیانت از مرجعیت متن دینی، حفظ پیوند ظاهر و باطن و جلوگیری از نسبی‌گرایی تفسیری ارزیابی شد. در مقابل، عرفان اسلامی با حفظ چارچوب‌های کلان توحیدی، امکان خوانش وجودی و باطنی حدیث را فراهم می‌آورد.

چهارم و مهم‌ترین نقطه اشتراک دو رویکرد، کرامت ذاتی انسان است. پژوهش نشان داد که هم عرفان و هم شریعت، انسان را موجودی برخوردار از شأن الهی و ظرفیت ممتاز می‌دانند؛ تفاوت تنها در نحوه تبیین این

قیصری، داود بن محمود. شرح فصوص الحکم. قم: بیدار.  
ملاصدرا (صدرالدین شیرازی). الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة العقلیة. قم:  
داراحیاء التراث.  
ابن عربی، محیی‌الدین. فصوص الحکم. تحقیق: عفیفی. بیروت: دارالکتاب العربی.  
سبحانی، جعفر. الالهیات علی هدی کتاب و السنه و العقل. قم: مؤسسه الإمام  
الصادق.  
طباطبایی، سید محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات  
اسلامی.  
مطهری، مرتضی. انسان و سرنوشت. تهران: صدرا.  
جوادی آملی، عبدالله. انسان در قرآن. قم: اسراء.  
نصری، حسین. دانش و قدسی. ترجمه: احمد آرام. تهران: سروش.  
چیتیک، ویلیام. ابن عربی: میراث نبوی. ترجمه: انشاءالله رحمتی. تهران: سوفیا.

## منابع

ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). علل الشرائع. قم: منشورات الرضی.  
ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم. درء تعارض العقل والنقل. ریاض: جامعه الإمام  
محمد بن سعود.  
ابن عربی، محیی‌الدین محمد بن علی. الفتوحات المکیة. تحقیق: عثمان یحیی.  
بیروت: دارصادر.  
فخر رازی، محمد بن عمر. التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). بیروت: داراحیاء التراث  
العربی.  
طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.  
مجلسی، محمدباقر. بحار الأنوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.  
غزالی، ابوحامد محمد. احیاء علوم‌الدین. بیروت: دارالمعرفه.